

## تایید نهایی کاربرد بمب های فسفوری ممنوعه به وسیله ی ارتش ترکیه در روژآوا

جنبش و مقاومت جاری در روژآوا و هرآنجا که با روژآوا پیوند ارگانیک دارد، پیوستار و ادامه و گونه ای از یک مبارزه تاریخی است. این مبارزه، در سال 2012 در گوشه ای از جهان جوانه زد. از آنجا که این روند مادی-تاریخی، برای دستیابی به رهایی رویکرد دارد، دشمنان، یعنی نیروهای واپسگرا و سلطه گر، از روسیه تا ایران و سوریه و ترکیه و قطر و کشورها و قدرت های منطقه ای و خاورمیانه و سرمایه جهانی متحد شدند و برای انکار این واقعیت تاریخی به هر جنایتی دست زده و می زنند. زیرا که جنبش رهایی و مقاومت را مخالف نیروها و مناسبات طبقاتی اقتدار گرا می دانند. از این روی، مقاومت و مبارزه در روژآوا، در برابر تبه کاران، استثمارگران و نابودکنندگان اکولوژی و اسارت گیرنده گان زن و زندگی، مقاومتی است با شکوه و بایسته ی پشتیبانی. مشعل داران این راه، با شمع جان خویش، آگاهانه برای سازندگی، برای فردایی نو و شاد و برابر، زندگی نوین و مناسباتی فارغ از استثمار مبارزه می کنند. هسته بنیادین این بینش هرچند بی بهره از رهبری پرولتاریای آگاه و سازمانه یافته، اما دولت و سرمایه را نفی می کند و برای پیروزی باید به ضرورت نفی مناسبات طبقاتی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید فرا روید و مسلح شود. به هر روی، هر انسان آزاده ای که شایستگی نام انسان دارد، نمی تواند در برابر روند رهایی خاموش بماند و یا از آن پشتیبانی نکند. اگر جنبش بردگان 73 سال پیش از میلاد، به رهبری «اسپارتاکوس ها» در برابر مناسبات بردگی به فرماندهی «مارکوس کراسوس های» رومی، برجسته ترین قیام برای رهایی بود و کمون کارگران در پاریس سال 1871 و اکتبر 1917 در روسیه نوید بخش خودگردانی شورایی در عصر نوین بودند، جنبش های کارگری و روژآوا و چپاپاس زاپاتیستها را می توان کم و بیش تداوم آنها شناخت.

روژآوا در سال 2012 به مانند یک سنگر مقاومت در برابر نیروهای ارتجاعی، برخاست و از همان آغاز، دشمنان گوناگونی را در برابر خود دید، از حکومت ترکیه گرفته تا حکومت های سوریه، ایران، انواع داعش و شبه دولت های منطقه ای و بلوک های سرمایه داری جهانی به رهبری روسیه و

ایالات متحده آمریکا. مردم شمال سوریه با همه ی رنگارنگی از زاویه قومی و اعتقاد و آیینی و فرهنگ ها، با پیوستن به جنبش خودگردانی و نفی هرگونه دولت و اقتدار به گزینه ای انقلابی دست زدند. این همگرایی خلق ها، در یک چرخش تاریخی، فرصت یافته بود تا در آتش یک جنگ نیابتی بین دو بلوک آمریکا و روسیه، راه سومی را برگزیند و سیستم خودمدیریتی را تجربه کند. این تجربه، با همه کمبودها و آزمون و خطاها به سوی مشارکت همه گانی و نفی استثمار انسان از انسان و طبیعت و خودرهایی زن، سامان گرفته بود. از همین روی در محاصره ی کامل دشمنان قرار گرفت. سرزمین هایی مانند عفرین و سرکانی و تل اسپید و دهها روستا و صدها کیلومتر مربع به اشغال دشمنان بشریت درآمده است، اما روژآوا با افتخار و شکوه پایدار مانده. حمله داعش به روژآوا و به ویژه کوبانی و دیگر مناطق و کشتار و نابودی با اعلام حکومت اسلامی، بدون پشتیبانی همان حکومت ها به ویژه ترکیه امکان پذیر نبود. ارتش ترکیه در تاریخ ۲۰ ژانویه 2018 به کانتون فرات، در سکوت و تایید دولت ها و اشغال عفرین زیر نام عملیات «شاخه زیتون» برای سرقت زندگی و بهترین باغ های زیتون جهان و نیز یورش 9 اکتبر 2019 به کانتون جزیره و «چشمه صلح» که سرکانی و یا به فارسی «سرچشمه» را تداعی میکرد، نه برای ایجاد منطقه امن برای حکومت ترکیه بلکه به هدف از میان برداشتن پروژه ی وژآوا بود. جزئیات، نقشه، ترکیب نیروهایی که زیر نام «ارتش آزاد سوریه» که از داعشیان و چته های رنگارنگ تشکیل شده بود، در هجوم به سرکانی که شمار آنان تا 70 هزار نفر بالغ می شدند را آشکارتر از آن است که نیاز به بازگویی باشد. عفرین در یورش ژانویه 2018 نزدیک به دو ماه در برابر روزانه بیش از 73 بمباران هوایی مقاومت کرد و تنها برای پرهیز از کشتار و نسل کشی ارتش ترکیه به عقب نشینی دست زد. در سرکانی و تل اسپید نیز هنگامیکه ارتش ترکیه به کشتار غیرنظامیان در شهرها و روستاها و کاربرد بمب های شیمیایی از جمله فسفور سفید دست زد، رزمندگان مقاومت شرف (برخودانی رونت Berxwdani Runet)، دست به عقب نشینی زدند. این اشغال ها و کشتارها، با چراغ سبز به ویژه آمریکا و ناتو و پشتیبانی روسیه انجام گرفت. کافی است به

گزارش دویچه وله، یعنی خبرگزاری رسمی آلمان زیر نام « دولت آلمان بر اشغال مناطق کردنشین توسط ترکیه سرپوش می‌گذارد»

پس از اشغال عفرین، دریک گزارش که توسط پارلمان آلمان تائید شده، آمده است که ارتش ترکیه در شمال سوریه در عفرین و همچنین الباب و جرابلس معیارهای حقوق بین‌الملل اشغال نظامی را رعایت کرده است.» (<https://www.dw.com/fa-ir/germany/a-47492391>)

تجربه یورش اکتبر و چراغ سبز ترامپ، اتحاد جبهه جهانی، علیه سامانه ی روژآوا را به آشکارا نشان داد و رسواتر از آن بود که بتوان برآن سرپوش گذاشت. این خود اهمیت این سنگر و الگوی خودگردانی را اثبات می‌کند.

در اینجا هجومی به سرکردگی حکومت ترکیه برای نابودی آرزوهای جوانه زده پس از گذشتی هزاران ساله جاری شد. این هجوم برای نسل کشی و کشتار جمعی و نابودی مستقیم میلیونها انسان زیر ستم و از خاکستر خویش برخاسته که برای انسان بودگی خویش ایستادگی می‌کنند، هجومی است علیه بشریت. آرزو و رویاهای این مردمان، رهایی از ستمی تاریخی- طبقاتی است که خودگردانی می‌خواهند و زندگی کمونال که الگویی باشد برای نوعی تجربه نوین روی زمین. تروریستهای واقعی یعنی حکومت ترکیه، فاشیستهای پان ترکیست و پان اسلامیت و جهادیت های اخوان المسلمینی و داعشی های رنگارنگ، این ها را «تروریست» می‌نامند، که تروریسم اردوغانی و داعشی و همپالکی هایشان را با هزینه هزاران جان عزیز بازدارنده بوده و جهان، به ویژه دختران و زنان را امنیت بخشیده اند. اردوغان و حزب و دولت و حکومت اش و این فاشیستها در سراسر روژآوا و کردستان ها و هر جا که توان پرواز بمب افکن ها و توپ هایشان باشد زمین سوخته را برای امنیت حاکمیت و سلطه اش می‌خواهند.



در روژآوا با زنان و مردانی در جبهه های مزگ و زندگی همراهیم که خود فرمانده خویش، خود بی - دولتی خویش و خود ارتش خویش اند، نه برای مرز و قوم و ملیتی ویژه، نه آنکه مرزی بگسترانند و قدرتی سلطه گر برپا کنند، بل که برای آرمانی ارزشمند و شایسته که به آن آگاهی دارند. اینگونه است که خصلت نمای انقلابی این جنبش برجسته می شود. به ویژه برخاستن زنان از زیر آوار ستم و خواری و بردگی تا فرارویی در رهبری جمعی در کانتون ها و مجلس ها و همه نهادها، از این سوی کانتون جزیره تا آنسوی فرات. مردمان جهان همه طبقات به ویژه در اروپا و خاورمیانه و آمریکا به این جنبش، به سنگینی و امدار است، و امی که با تمامی ذخایر صندوق ها و بانک های همه دولت ها قابل پرداخت نیست. بیش از دوازده هزار جانباخته و 50 هزار زخمی و دست و پا و چشم از دست داده و برای همیشه زمینگیر و گورستانهایی هزاران نفره در همه روژآوا، نابودی زیرساخت ها به وسیله ی بمب ها و انفجارها و در محاصره همه دولت -کشورها. این دلیران آزاده، داعش را درهم شکستند تا زمین از وجود مذهب سیاسی ویرانگر، در امان باشد. اگر اینک در اروپا و غرب مردمان می توانند در خیابان ها و فروشگاه ها در امنیت باشند و سربه بالین بگذارند و همانند برده، دختران در بازار برده فروشان همانگونه که در شنغال و موصل و منبج و ووو به دست داعش و همدستان، با چند دلاری دست به دست نشوند، جهان مدیون روژآواییان است، از رزمندگان انقلابی، این جان برکفان لشکر شکن، از انترناسیونالیست هایی که به نام انسان، از سراسر اروپا، و آمریکا از کردستان ها و عراق، ترکیه و از ایران و ووو به جنبش پیوسته اند، جان باختند و می رزمند تا جهان در امان باشد.

نیروهای زمینی ترکیه چهارشنبه شب، نهم اکتبر (2019) با راهنمایی فرماندهان "ارتش ملی" بسیج شده به اشغال و غارت و جنایت روی آوردند. البته دولت ترامپ با اعلام خروج آمریکا برای اطمینان ارتش ترکیه و داعشیان زیر فرمان را روایت داده بود. ترکیه به ده کیلومتر «منطق امن» پیشین که خشنود شده بود، با این روایت رهبری آمریکا، ادعای 32 کیلومتر عمق و 150 کیلومتر درازا را کرد. با اشغال تل اسپید و سرکانی، راه کانتون جزیره یعنی از قامشلو به کوبانی که نزدیک به سه ساعت با خودرو بود، اینک ناامن، کمین گذاری و مین گذاری برای رفتن به 9 ساعت کشانیده شده است. داعشیان ترکیه؛ برای اشغال شهرک زرگانی که در بیست کیلومتری سرکانی است، تلاش زیادی کردند، در این جبهه، مقاومت باشکوه و خونباری در جریان است. این روستای بزرگ تا تل تمر کمتر از بیست کیلومتر فاصله دارد. ارتش ترکیه و داعشیان زیر فرماندهی حکومت ترکیه، قصد اشغال راه بین قامشلو - حسکه و تل تمر را داشتند تا با اشغال شهر استراتژیک تل تمر و بزرگراه حسکه به قامشلو، کانتون جزیره نیز دوپاره شود.

روژآوا سرزمین شور و زندگی، نمادی از تجربه ای ست برای خودپویی و خودگردانی. مشعل داران تونل تاریک زمان، در یک نبرد تاریخی باید که پشتیبان بود. ماراتونی که در سال ۴۹۰ پیش از میلاد و در زمان زمامداری داریوش هخامنشی در دشت ماراتون برای اشغال یونان تاریخ ساز شد، گویی اینک در دشت روژآوا دوندگی و تلاش تاریخسازی را به سوی رهایی به نمایش می گذارد. در این جبهه، روژآوا سنگری است از مقاومت و کرامت، در راستای تلاش انسان برای خودرهایی. این سنگر برای انقلاب در منطقه، می تواند سنگذ و پشتوانه باشد. جنبش روژآوا، از ایده به پراتیک درآمده و موضوع یک حزب و جبهه سیاسی نیست، بلکه در یک مبارزه تاریخی خودرهایی بردگان ریشه دارد.

سلب ناسیونالیسم و قوم گرایی است و ایجاب انترناسیونالیسم و همبستگی و همگرایی همه حکومت شوندگان را در تئوری و پراتیک. روژآوا اکنون یک موضوع جهانی است با میلیونها پشتیبان و عضو در سراسر جهان. تا آنجا که به تجربه دریافته ام، رفع استثمار انسان از انسان و طبیعت و ستم چندگانه

بر زنان، همانند چیاپاس، مرکز بینش مقاومت و جنبش در روژآوا و رزمندگان زن و مرد در این گوشه از جهان است.

مشارکت زنان و به ویژه پیوستن به خودگردانی ها، مجلس ها، و یگان های مقاومت، چشمگیر بوده و نشان می دهد که زنان اسیر در فرهنگ و سنت و اسارت و دین و مالکیت، آزادی خویش را به دست خویش می خواهند. روژآوا بیش از پیش به ویژه با آزمون و واقعیت اخیر همکاری نیروهای مدعی ائتلاف و حمله دوباره ترکیه، در پیوند و پشتیبانی و همبستگی کارگران و زحمتکشان و به طور کلی حکومت شوندگان در عرصه انترناسیونالیستی است که پیروز می شود.

تا آنجا که به تجربه و برداشت من در این دو ساله در بخش تندرستی و بهداشت و بیمارستان ها باز می گردد، مسئولین و نمایندگان خودگردانی ها از کمبودها و نارسایی ها آگاهی دارند. اگر به مشاهدات و دریافت ها خود در روژآوا در سال 2018 و سپس در یکساله گذشته در روژآوا بازگردم، می توانم تجربه خود، بخش تندرستی و درمان را چنین بازگو کنم:

از جمله: کمبود کارشناس و متخصص در رشته های جراحی، قلب، چشم و اعصاب، بیهوشی و رادیولوژی و زنان. نبود آزمایشگاه های مجهز پزشکی و به ویژه نبود بخش میکروشناسی در بیمارستانها. نبود پرستاران و کمک پرستاران آموزش دیده، نبود کمیته های کنترل عفونت های بیمارستانی، کمبود برنامه های سراسری پزشکی اجتماعی و بهداشت جامعه، نبود کنترل بر تجویز داروها به ویژه آنتی بیوتیکها که باعث مقاوم شدن باکتریها (هم اکنون یک خطر عمده جهانی است) در برابر هرگونه آنتی بیوتیکی شده است. این همه کمبود از رژیم پیشین به جای مانده و ریشه دار هستند و در برابر روش های نوین مقاومت می کنند. هجوم ترکیه و داعش و خرابکاریها و سابوتاژها و انفجارهای همه روزه، سوزاندن گندمزارها، زیتون زارها و دشت ها، انفجار، بمباران راهها و زیرساخت ها، تروریسم دولتی و او به وسیله دشمنان و در راس همه حکومت ترکیه، اجازه پرداختن به جبران این کمبودها را نمی دهند و مانع پرداختن به کمبودها و ساختن زیرساخت ها شده اند. جدا از

تخریب‌گری‌ها، بازدارنده‌ها، تحریم‌ها و یورش‌ها، کمبود دانش و آموزش در رشته‌های مختلف برای ساختار و سیستم نوین، از مهمترین کمبودهای موجود در روژاوا می‌باشند. این آموزش و دانش باید به وسیله خود سیستم خودگردان و از مهدکودک‌ها آغاز شود. برای کمبود نیروهای روژاوا و ساختار نوین، نمی‌توان از سیستم و آموزش، نیرو، فرهنگ و سنت کهنه چشم‌پوشی داشت. باید نیروی انقلابی و نوین با آموزش‌های نوین در تمامی رشته‌ها، آموزش و پرورش داد. بخش خصوصی و انجمن‌های وابسته به دولت‌ها برخلاف نام غیردولتی فریبنده‌شان را دشمنان این سیستم و نهادهای خودگردان هستند. بنیادهای پیشرو و سازنده نمونه آکادمی پزشکی در قامشلو و آکادمی بیولوژی و تکنولوژی پزشکی و مهندسی‌ها و زبان و علوم و تاریخ و فلسفه و غیره در کوبانی و دانشگاه مزوپتانی‌ها که همه این آکادمی‌ها را در بر خواهد گرفت و اداره می‌کند حتی زیر بمبارانها خاموش نماند.

**به تجربه ای اشاره می‌کنم:**

- با توجه به نبود بخش میکروبیشناسی و کمبود کادر کارشناس در آزمایشگاه‌ها، و نیز نبود کمیته‌های کنترل عفونت‌های بیمارستانی و نیز پرستار، پیشنهاد شد که آکادمی تازه ای برای رفع این نیازها برپا کنیم و دانشجویانی از میان داوطلبین دبیرستانی و دارای انگیزه و معیارهای لازم، برای آموزش برگزیده شوند. برنامه ریزی‌های لازم به عمل آمد و برای ماه اکتبر 2019 کنکوری برای داوطلبین در کوبانی برنامه ریزی شد. هفته نخست اکتبر 2019 آزمون کتبی میان بیش از دویست نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی به عمل آمد. روز هفتم برای شرکت در پیشبرد آزمون شفاهی از قامشلو راهی کوبانی شدیم. روز هشتم شرایط جنگی حس می‌شد و برای پرهیز از حمله ترکیه به آکادمی کوبانی که محل گردهمایی دویست دانش‌آموز و کادرهای آموزشی و مسئولین بود، همراه با دانشجویان به قامشلو و دانشگاه مزوپتانی بازگشتیم. روز هشتم در قامشلو، نزدیک به 80 دانش‌آموز را مصاحبه کردیم. روز 9 اکتبر که بمباران‌ها برای اشغال آغاز باریدن گرفت، دانش‌آموزان را به کوبانی بازگرداندیم، و آشکار بود که شهر استراتژیک سرکانی و شاهراه به سوی کوبانی و حلب و ... مرکز

هجوم ترکیه است. بیمارستانهای نظامی که می توانستند مورد هدف بمباران های ترکیه قرار گیرند بسته شدند. مصاحبه و کنکور تعطیل شد. درخواست کردم که به سرکانی منتقل شوم و به تل تمر آمدم که در چند کیلومتری بمبارانها بود و نخستین جایگاه انتقال زخمی های خط اول جبهه، و روز 13 اکتبر به حسکه رفتیم. در حسکه بود که در حضور خبرگزاری تایمز و نیویورک تامیز با قربانیان بمب های شیمیایی روبرو شدیم. و در آنجا بود که اعلام شد این سوختگی ها در نتیجه بمب های معمولی نیستند. موضوع بمب های فسفر سفید، برای نخستین بار در آن روز و در حضور خبرنگاران در بیمارستان مدنی (ناخوشخانه گل) در حسکه بود که اعلام شد (به ویژه خبرگزاری تایمز) در سراسر جهان بازتاب یافت. برای تعیین نهایی نوع بمب شیمیایی، با وجود صدها زخمی و جانباز، از آنجا که هیچ نهادی از سازمان ملل و یا نهادهای مشابه، حاضر به همکاری نبودند، چاره ی فرستادن نمونه هایی از سوختگی برای آزمایش گاههایی در اروپا جان گرفت. در شرایط محاصره کامل، نمونه هایی از لباس، مو، پست و سوختگی ها فرستاده شدند. در ماه دسامبر 2019 در حالیکه اردوغان هر نوع کاربرد بمب شیمیایی را انکار می کرد، از سوئیس تایید نوع بمب به دست ما رسید؛ اسناد و شواهد موجود از جمله فیلمها، گزارش ها، عکس ها و مشخصات زخمی ها و جانبازگان بمب های شیمیایی که رویهمرفته بیش از همه، غیرنظامیان و افزون بر صد نفر بودند و او به سان مدارک غیرقابل انکار در پیوست با گزارش کتبی نتیجه آزمایشگاه، باید به سازمان ملل، و نهادهای بین المللی مربوطه ارائه داده می شدند. هدف نهایی، به محاکمه کشانیدن حکومت ترکیه و در راس همه اردوغان، رئیس جمهور ترکیه به سان فرمانده جنایت علیه بشریت و نسل کشی بود. این پروسه باید در دوگام انجام می گرفت: یکم، تسلیم گزارش های و مدارک موجود، به نهادهای بین المللی و سازمان ملل (سازمان دولت ها بدون هیچ توهمی در باره ماهیت غیرمردمی آن) و دوم، سازماندهی هیئت هایی از وکلا، داوران حقوقی و قانوندانان پیشرو برای ارائه کیفرخواست و برگزاری تریبونال بین الملل برای محاکمه سران ترکیه به جرم جنایت علیه بشریت. گام نخست، در ماه ژانویه 2020 در اروپا آغاز شد و با حضور سه دیدار جداگانه در سازمان ملل و دیدار با نمایندگان کمیسیون حقوق بشر بخش آفریقا خاورمیانه، نمایندگان



ویژه موضوع سوریه در سازمان ملل، وکلایی در ژنو، برگزاری کنفرانس خبری در شهرداری بزرگ پاریس با حضور خبرگزاری‌ها از جمله رویترز، خبرگزاری بین‌المللی فرانسه RFI- و افزون بر ده خبرگزاری دیگر، با حضور یکی از نمایندگان ی پ گ (YPG) در شهرداری بزرگ پاریس، برگزاری کنفرانس مطبوعاتی همراه با پرسش و پاسخ به همراه یک گروه مصری، در سالن ویژه سازمان ملل در ژنو و برگزاری بیش از ده مصاحبه تلویزیونی از جمله با تلویزیون سراسری به صورت زنده از مصر، العین (امارات)، بیروت، فرات، استرک، رونایی و وو سند تأیید کاربرد بمب های ممنوعه ی فسفری سفید به وسیله ارتش ترکیه رونمایی شد و بازتاب جهانی یافت. اینک گام دوم آغاز شده است. در بخشی از گزارش خود در سازمان ملل اعلام کردیم:

«... سندی دیگری که امروز برای نخستین بار به طور عمومی رونمایی می شود ، نتیجه آزمایشگاه است که استفاده از فسفر سفید توسط رژیم ترکیه را تأیید می کند که بنابر اعلام OPCW (سازمان منع سلاح های شیمیایی) و کنوانسیون برخی از سلاح های متعارف (CCW) سازمان ملل متحد ممنوع اعلام شده است.» در کنفرانس های رسانه ای در پاریس و سازمان ملل در ژنو اعلام کردیم:

«... از تیم تحقیقاتی بین المللی خواسته شد که به کردستان عراق که برخی از بیماران سوخته شده به وسیله بمب های شیمیایی را فرستاده بودیم، بیایند، اما از بررسی نمونه های گرفته شده قربانیانی که مظنون به سوختن توسط فسفر سفید در طی تهاجمی ترکیه بودند، خودداری ورزیدند و توجیه آوردند که «این پرونده ها از اختیار آنها خارج است». در حالیکه، سازمان منع سلاح های شیمیایی می توانست تیمی از پژوهشگران را برای بررسی موضوع مبنی بر یک حمله شیمیایی در شمال سوریه ، روژآوا ، در سرکانی و تل اسپید در روزهای 10-20 اکتبر 2019 گسیل کند.

سازمان ویژه سلاح های شیمیایی ممنوعه (OPCW) در هلند، علیرغم وعده های پیشین، حتا از دیدار با ما (هیئت روژآوا) برای ارائه گزارش های پزشکی و آزمایشگاهی و سایر مستندات در تاریخ 21

ژانویه سال 2020 امتناع ورزید و فقط به درخواست ما در مورد پرسش ممنوعیت فسفر سفید پاسخ دادند:

«... منصوران عزیز

ممنون از ایمیل شما همانطور که درخواست می کنید که به ویژه استفاده از فسفر سفید در سوریه را اعلام دارید، روابط عمومی OPCW مایل است موارد زیر را مورد توجه شما قرار دهد:

بنابراین کنوانسیون سازمان ملل متحد برای سلاحهای متعارف (CCW) در سال 1980 استفاده از فسفر سفید را مورد بررسی قرار داده شد و ممنوعیت استفاده از فسفر سفید به عنوان یک سلاح آتش زا علیه جامعه را ممنوع می کند (به پروتکل سوم در سلاح های آتش نشانی مراجعه کنید)

برای اطلاعات بیشتر. با [ccw@unog.ch](mailto:ccw@unog.ch) تماس بگیرید یا به وب سایت سازمان ملل در CCW مراجعه کنید. OPCW یک سازمان ملل متحد نیست.

با احترام- روابط عمومی OPCW



در گزارش و رونمایی از اسناد در کنفرانس های رسانه ای در فرانسه، ژنو و در سازمان ملل افزوده شد:

«...همانگونه که در پاسخ به پرسش برخی خبرگزاری های جهانی که در روزهای شعله ور شدن تهاجم 9 اکتبر 2019 حکومت ترکیه و بسیجیان جهادست اش، به روژآوا آمده بودند، در حسکه و تل تمر و قامیشلو تاکید شد که: این وظیفه هر انسانی در جهان است که از این مقاومت پشتیبانی کند... این مقاومت داعشی ها را در هم شکست تا زمین را از دین سیاسی ویرانگر نجات بخشد. اگر مردم اروپا و

جهان می تواند کمی در خیابان ها احساس امنیت و آرامش کنند و اگر دختران و زنان نیز از فروش در بازار برده فروشی ، دقیقاً به همانگونه که داعش و همراهان آنها در شنغال، موصل و رقه و.. با مثنی دلار در بازار می فروختند، ایمن مانده اند، جهان اینک مدیون مقاومت روژاوا است که نیروهای ویرانگر را شکست داد. تا کنون به هزینه این مقاومت، جنبش در روژاوا دستکم بیش از 12000 جان عزیز و ده ها هزار زخمی برای همیشه پرداخت کرده است.

آنها به هزینه زندگانی خود و برای برقراری امنیت بیشتر دنیا جنگیده و می جنگند. زمینگیر ساختن دشمنان زمین بدون روژاوا و مقاومت رزمندگان راه آزادی برای امنیت در اروپا، ایالات متحده آمریکا، آسیا و آفریقا و حتی اکوسیستم به ویژه به همه این نجات بخشان در روژاوا مدیون هستند.

امیدواریم به زودی حاکمان جنایتکار و تروریست ها را به دادگاه های بین المللی جنایی احضار کنیم.» جنبش روژاوا با مقاومت انقلابی، توان درخشان نظامی، اراده ی پولادین و مبارزه میدانی در برابر میلیتاریسم دشمنان بشریت، شناخته می شود، اما ورود به زمینه پرداختن، مجال و نیروگذاری بر بخش اساسی سامانیابی در مناسبات اجتماعی و اقتصادی و تولیدی و توزیع پلانمند برای برآوردن نیازهای واقعی و رفاهی جامعه در جهت رفع ستم طبقاتی دشوارترین و بسیار سخت تر از مبارزه نظامی است که پیش روی دارد و بر دوش مقاومت روژاوا سنگینی می کند. تنها همبستگی و پیشتازی طبقه کارگر، زنان انقلابی، جنبش کارگری و سوسیالیستی و انترناسیونالیسم است که می تواند این سنگر مقاومت را پشتیبان باشد و محاصره دشمنان را درهم شکنند، میلیون ها انسان خودگردان و شورانگرا را همسنگر باشد و به پیروزی رساند.

عباس منصوران

ژنو 25 ژانویه 2020



اینجا را ببینید و اینجا، بعد از 5 روز هنوز رنگ را اینجا می بینید، اگر این یک سوختگی معمولی بود

اینجا جای یک ...



■ ANTHONY LOYD

## Evidence of Turkish phosphorus attack mounts in Syria





